

از انسان تا پسا انسان

الهیات مسیحی و تکنولوژی در جهان پست مدرن

نویسنده

برنت واترز

مترجم:

سکینه محمدپور

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز



سرشناسه	:	واترز، برنت، ۱۹۵۳-م. -Waters, Brent, 1953
عنوان و نام پدیدآور	:	از انسان تا پساانسان: الهیات مسیحی و تکنولوژی در جهان پست مدرن/ نویسنده برنت واترز؛ مترجم سکینه محمدپور.
مشخصات نشر	:	کرج: موسسه نشر سیمرغ آسمان آذرگان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۲۵ ص.
شابک	:	978-622-282-361-0
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	عنوان اصلی: From human to posthuman : Christian theology and technology in a world, c2006. postmodern
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۱۹-۲۲۵.
عنوان دیگر	:	الهیات مسیحی و تکنولوژی در جهان پست مدرن.
موضوع	:	فراتجدد -- جنبه‌های مذهبی -- مسیحیت
موضوع	:	Postmodernism -- Religious aspects -- Christianity
موضوع	:	انسان(مسیحیت)
موضوع	:	Theological anthropology -- Christianity
موضوع	:	تکنولوژی -- جنبه‌های مذهبی -- مسیحیت
موضوع	:	Technology -- Religious aspects -- Christianity
شناسه افزوده	:	محمدپور، سکینه، ۱۳۴۲-، مترجم
رده بندی کنگره	:	BR1۱۵
رده بندی دیویی	:	۲۶۱/۵۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۴۶۰۲۲

از انسان تا پسا انسان: الهیات مسیحی و تکنولوژی در جهان پست مدرن

نویسنده: برنت واترز

مترجم: سکینه محمدپور

مؤسسه نشر سیمرغ آسمان آذرگان

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

چاپ و لیتوگرافی: چاپ پارمیدا

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۸۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۰-۳۶۱-۲۸۲-۶۲۲-۹۷۸

آدرس: کرج، جاده ملارد، گلستان ۴۳، ساختمان دیبا، واحد ۲۹ - کد پستی: ۳۱۶۶۹۳۶۸۶۹



پیشگفتار مترجم

پست مدرنیته به شکل کلی برای توصیف وضعیت اقتصادی و فرهنگی جوامعی به کار می‌رود که وضعیت مدرنیته را پشت سر گذاشته‌اند. برخی از مکتب‌های فلسفی و فکری معتقدند که مدرنیته در نیمه دوم قرن بیستم به انتها رسید و با پست مدرنیته جایگزین شد. گفته می‌شود که پست مدرنیته در یک تغییر کلی از تولید به مصرف به عنوان مجموعه مرکزی فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی ساخت اجتماعی مداخله می‌کند. به این معنا، مفهوم پست مدرنیته تا حدی مشابه جامعه فراصنعتی است، این مفهوم اظهار می‌دارد که جوامع صنعتی شاهد تغییر جهت از ساخت صنعتی به صنایع خدماتی با تأکید بر فناوری اطلاعات هستند.

در هر صورت پست مدرنیسم تأثیرات بسیاری بر امور مختلف فرهنگی و اقتصادی در جوامع داشته است. در کشورهای غربی که دین مسیحیت عمومیت دارد ارتباط و تعامل بین این آیین و پست مدرنیسم گویای آن است. فناوری‌های جدید و تکنولوژی مدرن که جوامع غربی را تحت تأثیر قرار داده است در دنیای پست مدرن مطمئناً در تعامل با مسیحیت قرار گرفته است...

کتاب حاضر قصد دارد که این تعامل بین مسیحیت و تکنولوژی را در جهان پست مدرن با توجه به دیدگاه اندیشمندان غربی مورد بررسی قرار دهد. مطالعه ترجمه این کتاب از این جهت مفید است که می‌تواند خواننده را با افکار اندیشمندان مسیحی در زمینه تقابل و تعامل مسیحیت و تکنولوژی آشنا کند و با تفکر و تأمل در این آثار آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. امید است که ترجمه حاضر از این کتاب مورد توجه و استفاده علاقه‌مندان به مطالعات ادیان و فلسفه معاصر قرار گیرد.

سکینه محمدپور

مرداد ۱۴۰۰

فهرست

۵.....	از انسان تا پسا انسان
۶.....	سیاسگزاری ها
۷.....	پیشگفتار مترجم
۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول: چشم انداز مدرن اخیر
۱۹.....	از مشیت الهی تا پیشرفت
۳۲.....	از پیشرفت تا فرآیند
۴۳.....	فصل دوم: دنیای پست مدرن
۴۵.....	نیچه چشمک زد.....
۵۷.....	ویژگی های پست مدرن
۷۹.....	فصل سوم: فناوری های پست مدرن
۸۵.....	فناوری و هویت
۹۷.....	فناوری و محدودیت
۱۰۹.....	فصل چهارم: الهیات پست مدرن
۱۱۰.....	ضرورت و نیکی
۱۲۴.....	الهیات مجازی
۱۲۶.....	آینده محتمل (ظهور)
۱۳۱.....	تحمیل نظم تکاملی (فرهنگ)
۱۳۶.....	همافزینان (مصنوعات ساخته خود)
۱۴۳.....	فصل پنجم: یک چارچوب الهیاتی جایگزین
۱۴۴.....	خالق، آفرینش، خلاقیت
۱۵۸.....	شروع با مسیح
۱۶۹.....	مشیت
۱۷۴.....	انسان شناسی
۱۸۱.....	فصل ششم: حیوانی ماندن
۱۸۱.....	پایان با مسیح
۱۹۷.....	سلطه
۲۱۰.....	فناوری های مسیحی؟
۲۱۹.....	کتابشناسی

مقدمه

این کتاب در مورد اخلاق کلامی، به خصوص اخلاق کلام مسیحی است. به همین ترتیب، این کتاب پیروی از دستورات سنت مسیحی را به عنوان مرجعی برای انجام وظایف اخلاقی، اجتماعی و سیاسی ترسیم و تفسیر می کند. اگرچه مخاطب مورد نظر من در این کتاب بیش تر پیروان آیین مسیحیت هستند، اما امیدوارم که شیوه ی نگارش من به نحوی باشد که خوانندگان این کتاب بر این عقیده نباشند و با این وجود، این کتاب برای آن ها نیز آموزنده و مفید باشد.

با این حال، تحقیق و تفحص کلامی و اخلاقی را نمی توان بدون در نظر گرفتن زمینه ی تاریخی و فرهنگی انجام داد. وظیفه ی من بررسی و ارزیابی منتقدانه ی تأثیر فناوری بر شکل گیری فرهنگ معاصر است. این کار یقیناً بی سابقه نیست. پیش از این نیز مقاله های بسیاری در مورد تحقیر یا دفاع از پیدایش تمدن مدرن و فناوری نوشته شده است. علاوه بر این، هر نوع بازتابی در مورد شکل گیری فرهنگ نمی تواند از طرح موضوع فناوری جلوگیری کند. با این حال، هر گونه روابط بشری، چه در جوامع قدیم و چه در جوامع متمدن و وابسته به اساس مبانی فناوری است، هرچند این روابط ممکن است ساده یا پیچیده باشند. همان طور که ویکتور فرکیس بیان کرده است: «تمدن ها براساس تداخل فناوری و ارزشهای انسانی شکل گرفته اند» (Ferkiss, 1969, p. 49).

اگرچه توافق در مورد رابطه ی بین فناوری و فرهنگ موضوعی چند ساله است، اما جهان معاصر با زمینه های ناشناخته شده مواجه است. این امر تا حدی به دلیل پیشرفت سریع در زمینه های مختلف مانند، فناوری اطلاعات، زیست فناوری و فناوری نانو می باشد که سیر تغییر و تحولات فرهنگی را تسریع می کند و در عین حال قدرت انسان را نیز بیشتر می کند. از این نظر، برای مثال تبدیل شدن جامعه ی صنعتی به جامعه اطلاعاتی، روند ساده ی دیگری در تکامل فرهنگی است که در آن انسان تسلط بیشتری بر طبیعت و هویت بشر دارد.

با این حال، آن چه که در تبدیل شدن جامعه ی صنعتی به جامعه اطلاعاتی بی نظیر است، پتانسیل تبدیل فراتر از تسلط بر تحول است. فراگیری محض فناوری در حال شکل

گیری یک فرهنگ فنی است که از طریق فناوری خردمند تحقق می یابد، زیرا انسان ها برای استفاده ی کامل از فناوری هایی که روزی یک رویا بودند و حالا توسعه یافته اند، باید در تلاش باشند که خود را به پسانسان تغییر دهند. در این جا یک مسئله وجود دارد، زیرا پیامدهای خوب یا بد این تغییر و تحول بنیادی را نمی توان از قبل شناخت. باز همان طور که فرکیس یادآوری کرده است: «اختلاط فناوری پست مدرن و انسان صنعتی می تواند تمدن جدیدی ایجاد کند یا می تواند به معنای انقراض نسل بشر باشد» (Ferkiss, 1969, p. 56).

این تهدید فقط نتیجه ی بیشتر شدن قدرت فناوری نیست، بلکه آن چه که از بسیاری از لحاظ نگران کننده است پیش انگاری های فکری، اخلاقی و دینی است که اغلب صریح تر از همیشه است و این دیدگاه بنیادی تغییر و تحول را شکل می دهد. همان طور که در فصل های بعدی توضیح داده شده است، این دیدگاه ممکن است آنچنان سایبرنتیک توصیف شود که مغایر با ارگانیک یا مکانیک باشد. یک الگوی سایبرنتیک واقعیت مادی را به اطلاعات اساسی تقلیل می دهد که بر اصل می توان آن را بارها دست کاری و تنظیم مجدد کرد.

اگر این امر صحیح باشد، تنها چیزی که مانع تحول بنیادین در طبیعت و هویت انسانی می شود، فناوری نامطلوب است، مشکلی که در واقع می توان از طریق تحقیق و توسعه مجدد آن را حل کرد. برای تفکیک طبیعت و آثار هنری هیچ مرز واقعی وجود ندارد، فقط برخی الگوها یا سرنخ های اطلاعاتی وجود دارند که می توانند پاک شوند و دوباره طراحی شوند و هیچ محدودیتی واقعی وجود ندارد که در نهایت نتوان بر آن غلبه کرد. بنابراین، استدلال اصلی من این است که وقتی تأکید پست مدرن بر ساختارشکنی و ساختار جزئی از دیدگاه سایبرنتیک باشد، هیچ دلیل قانع کننده ای مبنی بر این وجود ندارد که تغییر و تحولات اساسی و رادیکالی پسانسان گرایی را نباید دنبال کرد. این بدان معنی نیست که پسامدرن ها ناگزیر باشند تبدیل شدن به پسانسان را آرزو کنند، بلکه بدان معنی است که هیچ مسئله ی اساسی در پست مدرنیسم وجود ندارد که بتواند به طور مؤثر با این نظریه مخالفت کند، مگر این که برای ترجیحات عاطفی یا اعتراض خود دلیل بیاورد.

در این تحقیق نحوه ی استفاده از دو اصطلاح تأکید شده در پاراگراف قبل به توضیح بیشتری نیاز دارد. اصطلاح «پست مدرن» در گفتمان دانشگاهی و عامیانه زیاد استفاده می شود. با این حال به نظر می رسد که با تعریف دقیق یا پذیرفته شده مغایرت دارد. من در استفاده از این اصطلاح به آثار نظریه پردازان اجتماعی، فیلسوفان و متکلمانی (یا کسانی که منتقدان آن ها را به پذیرفتن این مورد متهم می کنند) رجوع می کنم که این فرضیه ی

تاریخی را پذیرفته اند که واقعیت یک مفهوم ساختگی از مفاهیم تخیلی، اجتماعی یا سیاسی است. از این رو با دیدگاه سایبرنتیک که در بالا توضیح داده شد، ارتباط دارد. علاوه بر این، بنده از اصطلاح پست مدرن برای اشاره به دوره تاریخی نوظهور یا دوران مدرنیته استفاده نمی‌کنم، زیرا پست مدرنیست بودن مستلزم رد هرگونه مفاهیم مهم تاریخی است. علاوه بر این، من همچنین پست مدرن را به عنوان یک شاهکار توصیفی به کار می‌گیرم تا طیف محدودی از مفاهیم و مؤلفانی را که بانی این کتاب هستند به عنوان بخشی از یک مجموعه در زمینه ی علم و دین شناسایی کنم.

همچنین، اصطلاح پسانسان باعث توسعه ی حجم مطالب تألیفی شده است، اما مانع توصیف مشترک نیز می‌شود. من از این اصطلاح برای اشاره به اتحادیه ی بی قاعده و بی اساس نویسندگان و روشنفکران استفاده می‌کنم که روز ادغام شدن انسان ها با فناوری های خودشان را در رویا می‌پروراند و از این طریق نوع جدید و برترگرایی را ایجاد می‌کنند. از این حیث، معانی بیان پسانسان گرایی شباهت ها و وابستگی های زیادی به گفتمان پست مدرن دارد، اما مترادف با آن نیست. برای مثال، پست مدرن متعهد به یک آینده پسانسانی نیست، اما پسانسان گرایان باید متعهد به پست مدرنیست ها باشند.

در فصل های بعدی من استدلال می‌کنم که گفتمان پست مدرن و پسانسان گرایی نشان دهنده ی وجود نفوذهای برتر در شکل گیری فرهنگ معاصر است. در نتیجه، هدف این کتاب کمک به پیروان آیین مسیحیت در اقدام برای ایجاد فرهنگ فنی به نحوی است که بسیار مهم و مفید است. به عنوان اولین قدم در این زمینه، من خود را مقید به بررسی و ارزیابی طیف محدودی از نکات برجسته در زمینه ی پست مدرن متمایل به توسعه و چشم اندازهای وسیع پسانسان گرایی کرده ام. پیش بینی می‌کنم که این رویکرد دو گروه از خوانندگان بالقوه را دلسرد کند.

گروه اول خوانندگانی هستند که انتظار دارند در صفحه های این کتاب محکومیت گسترده یا دفاع از سبک های استدلالی مدرن یا پست مدرن را پیدا کنند. علت سکوت من در این مورد این است که موارد قابل تقدیر و قابل سرزنش را در هر دو مورد پیدا می‌کنم. برای مثال، من نسبت به پست مدرنیست ها سوءظن مدرن بودن را دارم که صرفاً براساس داده های تجربی است، در حالی که این عقیده ی آن ها را مبنی بر این که واقعیت بیشتر چیزی است که ما آن را تصور می‌کنیم، رد می‌کنم. به طور متقابل، عقیده ی من با مدرنیست ها در این مورد مشترک است که واقعیت یک مفهوم عینی است، اما وقتی این واقعیت عینی به یک مفهوم مادی تقلیل می‌یابد، عقیده ی من نیز فرق می‌کند. علاوه بر این، وظیفه ی من به

عنوان یک متکلم این نیست که باورها و اعتقادات مذهبی به اصطلاح پذیرفته شده را برای مخاطبان مدرن یا پست مدرن مجدداً طراحی کنم، بلکه وظیفه‌ی من این است که گفتمان متقابلی را در مورد هر گزینه ترتیب دهم، گفتمانی که واقعاً مسیحی و کلامی باشد. از این نظر، مدرنیته و پست مدرنیسم گزینه‌های اجباری نیستند که باید پذیرفته یا رد شوند، بلکه پدیده‌هایی هستند که مسیحیان می‌توانند ایمان خودشان را در شرایط معاصر با ایمان بیان و اجرا کنند.

گروه دوم خوانندگانی هستند که احتمالاً در مورد موضوعات اخلاقی مربوط به فناوری‌های مختلف و سبک راه حل‌های ارائه شده از طریق آن‌ها تجزیه و تحلیل مفصلی می‌کنند. به طور یقین، از پیشرفت‌های کنونی و پیش‌بینی شده برای مثال، در زمینه‌ی فناوری اطلاعات، زیست فناوری و فناوری نانو در صورت داشتن ضرر و زیان‌های جدی باید جلوگیری شود. اما این کتاب در مورد این قبیل موارد نیست. بلکه، دستیابی به نظم اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در پی پیدایش یک فناوری نوظهور، حداقل در اوایل مستلزم سازگاری با مفاهیم گسترده‌ای است که این دیدم فرهنگی را تقویت می‌کند. از این نظر، «فناوری» به دستاوردهای فنی و مشکلات اخلاقی، اجتماعی و سیاسی همراه آن اشاره نمی‌کند، بلکه یک تمایل جدید بسیار نسبت به جهش استدلال مبتنی بر اخلاق عملی به درون تبیین تکنولوژیکی اصول عقاید را نشان می‌دهد (O'Donovan, 1996, pp. 271-4) در نتیجه، این کتاب بیشتر تفسیری است نه تحلیلی؛ این بیشتر تفکری در مورد شرایط فعلی ماست تا اینکه یک مطالعه منظم و جامع باشد.

خلاصه، هدف من از نوشتن این کتاب کمک به روند گفتمان مسیحیت و تأمل و تفکر در مورد زندگی دینی در پی پیدایش فناوری‌های نوظهور بوده است.^۱ علاوه بر این، چنین روندی نباید احساسی و ناآگاهانه باشد، از این رو متکلمان مسیحی باید در زمینه‌ی علوم و فناوری آگاه باشند و بدانند که چگونه این تلاش‌های مجزا به یک کار واحد منتهی می‌شوند. با این حال، چنین تحقیق و تفحص‌های آگاهانه و آزادانه مستلزم این امر نیست که علوم کلامی باید از بین برود و مطابق با علوم فناوری پیش‌رونده از نو طراحی شود. در مقابل، ترتیب دادن یک گفتمان کلامی چالشی است که به پیروان آیین مسیحیت کمک می‌کند تا با توجه به پیشرفت روز افزون فناوری به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده‌ی فرهنگ، زندگی خوب، درست و همراه با ایمان را تشکیل دهند. از این رو، یک گفتمان مخالف که واقعاً

^۱ این روند سه گونه‌ی گفتمان، تأمل و بررسی از تحقیقات ورهی، در سال ۲۰۰۲ اقتباس شده است.

مسیحی و کلامی باشد، لازم است. این کار لازم نیست بر مبنای مسلم فرض کردن این باور باشد که مسیحیان انحصار موقتی صدق و خوبی را در دست دارند، یعنی فقط هر کسی که این خصوصیات را دارند مسیحی بشناسند، هر چند که به صورت جزئی و کم تر او را بشناسند. علاوه بر این، آن ها باید موضوع این گفتمان مخالف را طوری با واژگان و دستور زبان بیان کنند که تلاش کنند سایر تحقیقات انجام شده در مورد حقیقت و نیکی را به جای این که ناچیز جلوه دهند، بالارزش بدانند، هر چند که این تحقیقات توسط مسیحیان انجام نشده باشد.